بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حد محارب 1](#_Toc427655266)

[مرور بحث گذشته 1](#_Toc427655267)

[مؤید و مبعد احتمال دوم 2](#_Toc427655268)

[پاسخ به مناقشه دیگر 2](#_Toc427655269)

[تقویت احتمال محاربه 3](#_Toc427655270)

[روایت اول 3](#_Toc427655271)

[پاسخ از روایت فوق 3](#_Toc427655272)

[وجه چهارم استبعاد 4](#_Toc427655273)

[مناقشه در استدلال فوق 4](#_Toc427655274)

[قاعده درع در این مقام 4](#_Toc427655275)

[نتیجه‌گیری 4](#_Toc427655276)

# حد محارب

# مرور بحث گذشته

گفته شد اصل در بحث موجود آیه شریفه سوره مائده است، مفردات آیه مورد بررسی قرار گرفت، در قبال رابطه‌ای که این دو مفهوم می‌توانند داشته باشند مطالبی بیان شد و درنهایت این نتیجه حاصل شد که رابطه این دو عموم و خصوص مطلق است.

در قبال موضوعیت فساد و محارب اقوالی وجود داشت که درنهایت قول به موضوعیت فساد تقویت شد و به مناقشاتی که در این زمینه مطرح شده بود، پاسخ داده شد.

# مؤید و مبعد احتمال دوم

احتمال دوم دو مؤید داشت؛ یکی اینکه از آن‌ها آیه سابق این آیه است که در آن فساد در زمین به‌عنوان مجوزی برای قتل برشمرده شده است، مؤید دوم نیز این بود که در مواردی که رابطه دو مفهوم عموم و خصوص مطلق است، محوریت از آن امر مطلق است که در اینجا همان فساد در زمین است.

مبعداتی نیز در این باب مطرح شد که ازجمله آن‌ها اشکال آقای تبریزی به این احتمال بود، با این توضیح که اگر مراد فساد در زمین با اطلاق مدنظر باشد، محظوری جهت عمل به این اطلاق وجود خواهد داشت و آن، همان عمومیت معنای فساد در بین افراد بشر است به‌نوعی که هر عصیانی فساد به حساب می‌آید لذا لازم است که معمول افراد مشمول این حکم شوند. اما از این احتمال به‌واسطه تبیین صحیح معنای افساد که همان دربر گیری موارد اختلال نظام بود پاسخ داده شد.

مبعدات دیگری نیز مطرح گشت که به آن‌ها پاسخ داده شد.

## پاسخ به مناقشه دیگر

مناقشه‌ای در جلسه سابق مطرح شد که طبق آنچه ادعا شد لازم است گفته شود کسانی که با نبی خدا (ص) جنگیدند، باید مشمول احکام آیه شریفه شوند، این در حالی است که تاریخ بدین مضمون نقلی نداشته است.

اما پاسخ از این اشکال به آیه دیگری است که در آن فرموده شده؛

**«فَإِذا لَقِیتُمُ الَّذِینَ کفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقابِ حَتَّی إِذا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَ إِمَّا فِداءً حَتَّی تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزارَها ذلِک وَ لَوْ یشاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَ لکنْ لِیبْلُوَا بَعْضَکمْ بِبَعْضٍ وَ الَّذِینَ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَلَنْ یضِلَّ أَعْمالَهُم»[[1]](#footnote-1)**

آن احکام حکم را تقیید زد بدین‌صورت که برای این افراد احکام مستقلی در نظر گرفته شده بود و برایشان تفدیه یا امور تخییری دیگری در نظر گرفته شد.

## تقویت احتمال محاربه

وجه سومی که می‌شود ذکر کرد این است که ما وقتی به روایات مراجعه می‌کنیم می‌بینیم همه روایات آیه را به سمت معنای محارب پیش می‌برد. این روایات در جلد هیجده ابواب حد محارب، صفحه پانصد و سی‌ودو در طی چندین روایت مطرح شده است.

## روایت اول

**«وَ عَنْهُ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُبَیدِ اللَّهِ الْمَدَائِنِی عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا ع قَالَ: سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّما جَزاءُ الَّذِینَ یحارِبُونَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ- وَ یسْعَوْنَ فی‌الارض فَساداً - الْآیةَ فَمَا الَّذِی إِذَا فَعَلَهُ اسْتَوْجَبَ وَاحِدَةً مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعِ- فَقَالَ إِذَا حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ- وَ سَعَی فی‌الارض فَسَاداً فَقَتَلَ قُتِلَ بِهِ- وَ إِنْ قَتَلَ وَ أَخَذَ الْمَالَ قُتِلَ وَ صُلِبَ- وَ إِنْ أَخَذَ الْمَالَ وَ لَمْ یقْتُلْ- قُطِعَتْ یدُهُ وَ رِجْلُهُ مِنْ خِلَافٍ- وَ إِنْ شَهَرَ السَّیفَ وَ حَارَبَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ- وَ سَعَی فی‌الارض فَسَاداً- وَ لَمْ یقْتُلْ وَ لَمْ یأْخُذِ الْمَالَ نُفِی مِنَ الْأَرْضِ الْحَدِیثَ.»[[2]](#footnote-2)**

## پاسخ از روایت فوق

در قبال این آیه می‌توان این‌گونه جواب داد که؛

در برخی از آیات دیگر روایات تفسیری وارد شده است که در ذیل آن مصادیقی از آیه بیان شده است که ظاهر امر دلالت بر حصر موارد دارد، اما در حقیقت این‌گونه نیست، ازاین‌گونه موارد آیه شریفه تحیت است که؛

**«وَ إِذا حُییتُمْ بِتَحِیةٍ فَحَیوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلی کلِّ شَی‌ءٍ حَسِیباً.»[[3]](#footnote-3)**

که آیه دارای اطلاق است و موارد تحیت لسانی و غیر آن را در برمی‌گیرد، ولی روایتی در ذیل آن وارد شده که تحیت را به سلام تفسیر نموده است. در قبال آیه مورد بحث نیز باید گفت؛ در جایی روایتی که مصادیق آیه را حصر کند وجود ندارد مگر همان روایتی که بیان شد که این نیز به نحوی قابل جواب است.

## وجه چهارم استبعاد

وجه دیگری در این زمینه ذکر شده که بیشتر جنبه استحسانی دارد، مبنی بر اینکه بسیار بعید است که بگوییم اگر فرد به هر نوع عملیات غیرمسلحانه اگر دست بزند، مستوجب عقاب‌های بیان شده در آیه می‌شود.

## مناقشه در استدلال فوق

جواب این استدلال این‌که اولاً این وجه استحسانی است و ثانیاً همه مجازات به این سنگینی که گفته شده نیست. البته در اینکه مجازات بیان شده تخییری است یا ترتیبی؟ در این زمینه اختلاف‌نظر وجود دارد.

## قاعده درع در این مقام

وجه دیگری که می‌شود ذکر کرد این است که در اینجا تریدی وجود دارد که آیا شامل مفسد فی‌الارض می‌شود یا خیر؟ لذا در اینجا قاعده درع حکم می‌کند که شامل مفسد فی‌الارض نمی‌شود.

## نتیجه‌گیری

استظهار ما از این آیه شریفه این است که مفسد فی‌الارض موضوعیت دارد و محارب بودن مصداقی است.

1. 4/ محمد [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشیعة؛ ج 28، ص: 309 [↑](#footnote-ref-2)
3. 86/نساء [↑](#footnote-ref-3)